

Tuesday, August 06, 2019
9:46 AM

بررسی دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره خواص آیات و سوره‌های قرآن

داد محمد امیری^۱

چکیده

بازخوانی و ارائه دیدگاه صاحب‌نظران مطرح، راهگشای تحقیقات جدید است. یکی از صاحب‌نظران معاصر در عرصه علوم قرآنی آیت‌الله محمدهادی معرفت است. نوشتار حاضر به بررسی و تبیین دیدگاه ایشان درباره خواص سوره‌ها و آیات قرآن کریم می‌پردازد. روایات متعددی در کتب روایی و تفسیری، درباره خواص قرآن کریم آمده است که برای شماری از آیات قرآن خاصیت اخروی و برای شمار دیگری خاصیت دنیوی و گاه خاصیت اخروی و دنیوی را توأمان ذکر کرده است. آیت‌الله معرفت معتقد است که اورداد و اذکار در شفای بیماری‌ها، با اذن خدا - که مسبب‌الاسباب است - تأثیر دارند. همچنین تلاوت قرآن کریم، باعث جلب رحمت خداوند و آسان نمودن معالجه مرض و تأثیر بهتر دارو می‌شود، اما در نظر گرفتن دعا و قرائت قرآن، در کنار دارو به عنوان یک عامل مستقل برای معالجه امراض و شفای دردها جسمانی را رد می‌کند و آن را مغایر با قداست قرآن می‌داند.

کلید واژه‌ها: خواص القرآن، فضائل القرآن، آیت‌الله معرفت، درمان، شفا.

^۱ دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی مشهد مقدس / Dma1359@gmail.com

مقدمه

تلاوت کلام الهی نقش مهمی در زدودن نگرانی‌ها، اضطراب‌ها، ترس‌ها، ناامیدی‌ها و اندوه‌ها از قلب و روان انسان دارد. تردیدی نیست که انس با قرآن کریم این نوع بیماری‌ها را درمان نموده و انسان را به آرامش روانی سوق می‌دهد. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «وَتَنْزِيلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا». (اسراء: ۸۲)

شفا بودن قرآن می‌تواند دارای ابعاد روحی، اخلاقی، روانی و جسمی باشد. در کتاب‌های روایی و تفسیری موارد زیادی می‌توان یافت که سوره‌ها، آیات و دعاها را برای درمان شماری از بیماری‌های روانی و جسمانی اختصاص داده‌اند.

خواص آیات و سوره‌های قرآنی که در روایات آمده است، علاوه بر خواص اخروی و معنوی، به خواص مادی و طبّی آیات و سوره‌ها نیز اشاره شده است. شکی نیست که قرآن برای شفای بیماری‌های اخلاقی و روحی نازل شده است، اما در مورد اینکه شفای بیماری‌های جسمی را نیز در بر دارد یا نه، اختلاف دیدگاه به چشم می‌خورد.

برخی از علما آن را از باب تفضل و دیگران از باب علیت و همچنین برخی‌ها با نگاه ایمان خالص و حتی بعضی‌ها آیات قرآن را همانند دارو به شمار آوردند. (رضایی و علایی، ۱۳۹۰: ۴۵) حضرت آیت‌الله محمدهادی معرفت بحث خواص سوره‌ها و آیات قرآن کریم را در مقدمه جلد اول التفسیر الاثری الجامع، تحت عنوان «آفات تفسیر» آورده است.

ذکر خواص سوره‌ها و آیات قرآن کریم تحت عنوان آفات تفسیر، بیانگر این مطلب است که ایشان نگاه نقادانه به این بحث دارند. نگارنده در این مقاله پس از طرح بحث مفهوم شناسی و پیشنهاد بحث، دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره روایات «خواص القرآن» را بر اساس کتاب «التفسیر الاثری الجامع» - و ترجمه آن که توسط جناب آقای جواد ایروانی انجام شده - بررسی و تبیین نموده است.

۱. مفهوم شناسی

الف) واژه «خواص»

واژه خواص جمع خاصه است. برای یافتن معنای دقیق این واژه ابتدا دیدگاه لغت‌پژوهان را ذکر می‌کنیم، سپس به جمع‌بندی آنها می‌پردازیم:

- الْخَاصَّةُ مِنَ الْخِصَصَةِ لِنَفْسِكَ. (صاحب بن عباد، بی‌تا، ج ۱۷۵: ۴)

- خَصَّهُ بِالشَّيْءِ يُخَصُّه خَصًّا وَخُصُوصًا ... وَخَصَّصَهُ وَاحْتَصَّصَهُ: أَفْرَدَهُ بِهِ دُونَ غَيْرِهِ وَ يَقَالُ: احْتَصَّصَ فَلَانًا بِالْأَمْرِ وَتَخَصَّصَ لَهُ إِذَا انْفَرَدَ. (ابن منظور، بی تا، ج ۷: ۳۲۴)

- الْخُصُّ: الْبَيْتُ مِنَ الْقَصَبِ وَ الْجَمْعُ (أَخْصَاصٌ) مِثْلُ قُفْلٍ وَ أَقْفَالٍ وَ (الْخَصَاصَةُ) - بِالْفَتْحِ - الْفَقْرُ وَ الْحَاجَةُ وَ (حَصَّصْتُهُ) بِكَذَا (أَخَصَّهُ) (خُصُوصًا) مِنْ بَابِ فَعَدَّ وَ خُصُوصِيَّةً بِالْفَتْحِ، وَ الضَّمُّ لَعَةً إِذَا جَعَلْتَهُ لَهُ دُونَ غَيْرِهِ. (فیومی، بی تا، ج ۲: ۱۷۱)

- وَ خُصَّ الشَّيْءُ: خِلَافَ عَمِّ. وَ "مُحَمَّدٌ حَبِيبُكَ وَ حَاصَّتْكَ" أَي احْتَصَّصْتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِكَ. (فخر، ۱۳۷۵، ج ۴: ۱۶۸)

- الْخَاءُ وَ الْوَادُ أَصْلٌ مَطْرَدٌ مِنْقَاسٌ، وَ هُوَ يَدُلُّ عَلَى الْفُرْجَةِ وَ الثَّلْمَةِ. فَالْخَصَاصُ الْفُرْجُحُ بَيْنَ الْأَثَافِي. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ق، ج ۲: ۱۵۲)

- التَّخْصِيصُ وَ الْإِحْتِصَاصُ وَ الْخُصُوصِيَّةُ وَ التَّخْصُّصُ: تَفَرَّدَ بَعْضُ الشَّيْءِ بِمَا لَا يَشَارِكُهُ فِيهِ الْجُمْلَةُ وَ ذَلِكَ خِلَافَ الْعُمُومِ. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ج ۱: ۲۸۴)

از مجموع دیدگاه لغت پژوهان معانی ذیل به دست می آید:

۱. خانه‌ای که از نی یا درخت ساخته شده باشد؛
۲. فقر و نیازمندی؛
۳. شکاف، سوراخ و فرورفتگی در دیوار و مانند آن؛
۴. خاص: آنچه که ویژه کسی یا چیزی باشد که در آن تنها باشد و ضد آن عام است.

علامه مصطفوی بعد از ذکر معانی مختلفی که لغت پژوهان برای این واژه ذکر کرده‌اند، در یک جمع‌بندی می‌نویسد:

أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ هُوَ الْإِتْسَابُ إِلَى شَيْءٍ وَ التَّفَرُّدُ بِهِ دُونَ غَيْرِهِ. (مصطفوی، ۱۴۳۰، ق، ج ۳: ۶۷)

اصل واحد در این ریشه (خصص) به معنای منتسب بودن شیء به یک ویژگی است که اشیای دیگر آن ویژگی را ندارد و اختصاص به همان شیء دارد.

علامه مصطفوی معتقد است که معانی فقر و نیازمندی، شکاف یا سوراخ و خانه‌ای که از نی یا درخت ساخته شده از لوازم معنای اصلی این واژه است:

و أمّا مفهوم الحاجة و الفقر: فمن لوازم ذلك الأصل... و أمّا الفرجة و الثلمة: فالمراد كلّ مورد من التفاريح يوجب تلك الحالة الخاصة في ذى الفرجة أو ينشأ من تلك الحالة، كالخلل الموجودة في باب أو منخل أو غيرهما... فظهر أنّ إطلاق الخصّ

على البيت من قصب أو نحوه باعتبار خصا صته، و كونه مخصوصا و محقرا و مبنيا
لرفع الحاجة الشخصية. (مصطفوی، ۱۴۳۰ ق، ج: ۳، ۶۸)

خواص در اصطلاح

«خواص القرآن» یکی از اصطلاحات علوم قرآن است که از خصلت‌ها و ویژگی‌های
آیه‌ها و سوره‌های قرآن کریم بحث می‌کند. (حریری، ۱۳۸۴: ۱۴۱) صاحب‌نظران برای
«خواص القرآن» تعریف‌هایی ارائه داده‌اند که به سه نمونه اشاره می‌کنیم:

۱. علم الخواص هو علمٌ باحثٌ عن الخواص المترتبة على قراءة اسماء الله تعالى او
کتابه من زيور و الإنجيل و القرآن و يترتب على كل من تلك الاسماء و الدعوات
خواص مناسبتها. (کبری‌زاده، ۱۴۲۲ق، ج: ۱، ۳۴۱)
 ۲. خواص القرآن الكريم: معناها و الله أعلم أي الآيات أو السور القرآنية التي تختص
بشفاء المريض أو قضاء الحوائج أو غير ذلك. (معبد، ۱۴۲۶ق: ۱۱۹)
 ۳. و اعلم ان الخواص قد تترتب على اسماء الله تعالى و على آيات التنزيلية و آيات
التوراة والانجيل، لكن تلك الخواص ليست من فروع السحر بل هي من فروع علم
القرآن. (صديق حسن خان، ۱۴۲۰ق، ج: ۲، ۲۳۷ و ۲۳۸)
- با توجه به تعریف‌های ارائه شده منظور ما از «خواص» در این مقاله، تأثیر سوره‌ها
و آیات قرآن کریم در طلب و جلب منافع و دفع و رفع ضرر است.

ب) فضایل القرآن

اصطلاح دیگری که در کنار خواص القرآن در منابع تف‌سیر و علوم قرآنی به چشم
می‌خورد، اصطلاح «فضایل القرآن» است. در برخی از منابع مانند *الاعتقان فی علوم
القرآن* این دو بحث از هم تفکیک شده است، (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج: ۲، ۳۳۸ و ۳۹۰) اما
در تفاسیر، فرقی بین فضایل و خواص ذکر نشده و در بیشتر موارد این دو اصطلاح به
یک معنی آمده است.

برخی معتقدند که خواص قرآن جزئی از فضایل قرآن کریم است چرا که خواص
قرآن باعث آشکار شدن فضل، عظمت و برکت قرآن کریم است. (هویمل، ۱۴۲۹ق: ۲۸)
به عبارت دیگر بین خواص و فضایل قرآن عموم و خصوص مطلق است، هر خواصی از
آیات و سوره‌های قرآن کریم، فضایل قرآن هم محسوب می‌شود، ولی همه فضایلی
که برای آیات و سوره‌های قرآن است، خواص قرآن محسوب نمی‌شود.

۲. پیشینه

بحث خواص سوره‌ها و آیات قرآن کریم در بیشتر منابع تفسیری و حدیثی ذکر شده
است، به عنوان مثال می‌توان به تفاسیر مجمع البیان، البرهان، نورالثقلین، تفسیر قمی،

در المثنور و کنز الدقائق اشاره نمود. از منابع حدیثی می‌توان به جلد ۹۲ بحار الانوار، جلد دوم اصول کافی، جلد اول من لایحضره الفقیه معانی الاخبار، تهذیب، جلد دوم، جلد دوم مکارم الاخلاق و جامع الاخبار اشاره نمود.

جلال الدین سیوطی در علوم قرآنی، نوع هفتاد و دوم کتاب الاتقان را به بحث «فضایل القرآن» و نوع هفتاد و پنجم را به بحث خواص القرآن اختصاص داده است. آیت‌الله خوئی در البیان بحثی تحت عنوان «الأحادیث النبویة الشریفة حول فضائل القرآن» (خوئی، ۱۴۳۰ق، ج ۱: ۲۷۵ و ۴۲۷) و ابن قیم جوزیه بحث «ما وضع فی فضائل السور» را در البدائع فی علوم القرآن (الزرعی) ابن القیم الجوزیه (۱۳۲۷ق: ۳۹۷) مطرح نموده‌اند.

از جمله کسانی که در زمینه خواص و فضایل قرآن مطالبی نگاشته‌اند عبارت‌اند از:

۱. کعب انصاری (۳۰ق)؛
۲. خالد برقی (۲۷۴ق)؛
۳. محمد بن یسار (۳۶۸ق)؛
۴. محمد علی حزین (۱۱۸۱ق).

همچنین کتاب‌هایی با نام منافع القرآن، از دانشمندان ذیل به رشته تحریر در آمده است:

۱. بیرجندی (۹۲۶ق)؛
۲. بهاء الدین (۹۶۲ق)؛
۳. محمد باقر مجلسی (۱۱۱۱ق)؛
۴. احمد تمیمی (۳۷۰ق)؛
۵. ابن نعیم (۱۱۳۵ق).

افزون بر موارد فوق کتاب‌هایی با نام خواص القرآن، نگارش یافته است که می‌توان به برخی از مؤلفان آن اشاره داشت:

۱. شوشتری (۱۰۲۱ق)؛
۲. محمد شفیع (۱۲۲۰ق)؛
۳. آقا نجفی اصفهانی (۱۲۳۲)
۴. محمد حسن ازغندی، (رضایی و علایی، ۱۳۹۰: ۷۳)

در دوره معاصر نیز آثار متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. الاستشفاء بالقرآن / الحسینی و اعلمی؛
۲. قرآن درمانی / عبدالحسین؛
۳. شفا و درمان در قرآن / میر اشرفی؛
۴. اسرار التداوی و العلاج بالقرآن / باقر الموسوی؛
۵. سوره درمانی / فربیا درجزی؛
۶. قرآن درمانی / عبد الحسین صالحی؛
۷. خواص سوره‌های قرآن / حکیمی؛
۸. شفاء و درمان در قرآن / مجتبی رضایی. (همان)

۲. شخصیت شناسی آیت‌الله معرفت

آیت‌الله محمد هادی معرفت در سال ۱۳۰۹ (ش) در خانواده روحانی در شهر کربلا متولد شد. پدرش شیخ علی از خطبای بنام کربلا در آن دوران بود. وی در سن پنج سالگی ایشان را برای سواد آموزی به مکتب فرستاد تا خواندن و نوشتن را بیاموزد. پس از آن، مقدمات را نزد استاد حاج شیخ علی اکبر نائینی و سپس نزد پدرش آموخت. ادبیات و منطق را نزد اساتید بنام در آن زمان همچون سید سعید تنکابنی، آیت‌... سید محمد شیرازی و شیخ محمد حسین مازندرانی فرا گرفت. دروس فقه و اصول را نزد شیخ محمد کلباسی، شیخ محمد خطیب و سید حسن حاج آغا میر قزوینی تلمذ نموده و در رشته‌های ادبی و علمی از محضر ایشان استفاده می‌نموده‌اند. پس از مدتی با همکاری گروهی از فضلالی حوزه همچون سید محمد شیرازی، سید عبدالرضا شهرستانی و شیخ محمد باقر محمودی دست به تأسیس و نشر ماهنامه‌ای تحت عنوان «اجوبة المسائل الدینیة» زدند که در آن به سئوال‌های دینی مردم پاسخ داده می‌شد.

در سال ۱۳۴۰ پس از فوت پدرش، برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف مهاجرت می‌نماید. هدف اصلی از این مهاجرت شرکت در جلسات درسی فرهیختگان علم و فقه آن دوران همچون سید محسن حکیم، آیت‌... سید ابو القاسم خوئی و امام خمینی و استفاده از محضر آن بزرگوران بود. ضمن آنکه دروس فلسفه و حکمت متعالیه را نزد اساتید معروف آن زمان فرا گرفته است. در این هنگام بود که انگیزه پرداختن به مسائل قرآنی در کنار فقه و اصول، ایشان را وادار نمود که تحقیقات خود را به موضوع علوم قرآنی سوق داده، بی‌شتر اوقات خود را برای این کار مصروف دارد تا بدآنجا که پس از مدتی توانست کتاب ارزشمند التمهید را در شش جلد و التفسیر و المفسرون را در دو جلد تألیف نماید. (www.jameehmodarresin.org)

در سال ۱۳۵۱ که حکومت بعث عراق دستور مهاجرت ایرانیان را صادر نمود به اتفاق خانواده رهسپار ایران شد و در حوزه علمیه قم به فعالیت‌های علمی خود همچون تدریس و تالیف ادامه داد که محصول آن تالیف کتاب ارزشمند «صیانة القرآن من التحریف» و کتاب «التفسیر و المفسرون» می‌باشد. وی در سال ۱۳۸۶ شمسی در شهر مقدس قم به ملکوت اعلی پیوست. (جامع تفاسیر نور، ۳، بخش کتابشناسی)

۳. معرفی اجمالی «التفسیر الاثری الجامع»

یکی از آثار مهم آیت‌الله محمدهادی معرفت «التفسیر الاثری الجامع» است. این کتاب، نوعی تفسیر اثری به شمار می‌رود؛ یعنی در آن از احادیث و روایات و شیوه نقلی استفاده شده است. البته مقصود مؤلف از «اثری»، روایات و اخبار تفسیری شیعه و اهل سنت، اعم از احادیث پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام، صحابه و تابعان است. ایشان در این اثر مهم خود احادیث شیعه و اهل سنت را جمع آوری کرده و به منابع فریقین، توجه کامل داشته است و نوعی تفسیر مقارنه‌ای، تطبیقی و تقریبی به شمار می‌آید. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

تفسیر اثری جامع با مقدمه نویسنده آغاز و مطالب آن در شش جلد، تنظیم شده است. در مقدمه، به پیشینه تفسیر و برخی شخصیت‌های تفسیری، همچون ابن عباس، مجاهد بن جبر و میراث تفسیری پیامبر ﷺ صحابه و تابعین، اشاره کرده، سپس به خلط بین تفاسیر صحیح و غیر صحیح در این میراث تفسیری، پرداخته است. (همان: ۱۱۱)

آیت‌الله معرفت در این اثر، ضمن آوردن روایات تفسیری، آنها را مورد نقد علمی قرار داده و باز شناسی روایات صحیح از ضعیف را در پرتو محکمت قرآن و حدیث میسر ساخته است. ایشان تنها به یادآوری مباحث مهم قرآنی و نقل دیدگاه‌های صاحب‌نظران بسنده نکرده، بلکه در هر مورد، رأی برتر را گزینش نموده و دیدگاه‌های خود را با استدلال مبرهن ساخته است.

دیدگاه وی درباره تأویل، ارزش تفسیر صحابی و تابعی، حروف مقطعه، خواص سور قرآن، روایات عرضه روایات بر قرآن و... از جمله مواردی است که وی پس از نقل دیدگاه‌های صاحب‌نظران، دیدگاه مختار را گزینش نموده و بر آن استدلال کرده است. وی همچنین در اثر گرانبها در عین وفاداری به مکتب و اعتقاد جازم به اصول مذهب، خود را به منابع روایی فرقه‌ای خاص از مسلمانان مقید نکرده است، بلکه با سعه صدر، علمی‌نگری، پرهیز از برانگیختن تصعب و با خودداری از جریحه‌دار کردن احساسات

دیگران، از همه آثار مدون مورد اهتمام فرق مسلمان استفاده کرده است. نگاهی به فهرست بلند منابع این کتاب که حدود ۲۲۰ مرجع را دارا می‌باشد، گواه درستی این ادعاست. (روشن‌ضمیر، ۱۳۸۶: ۲۸۱)

۴. دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره خواص سوره‌ها و آیات

حضرت آیت‌الله معرفت بحث خواص سوره‌ها و آیات قرآن کریم را در مقدمه جلد اول التفسیر الاثری الجامع، تحت عنوان «آفات تفسیر» آورده است. ذکر خواص سوره‌ها و آیات قرآن کریم تحت عنوان آفات تفسیر بیانگر این مطلب است که ایشان نگاهی نقادانه به این بحث دارند.

نقش اوارد و اذکار در درمان بیماری‌ها

آیت‌الله معرفت بحث خواص سوره‌ها را با این مقدمه آغاز می‌کند که افرادی که با اذکار و اوارد سروکار دارند کتاب‌های متعددی در علم خواص نوشته‌اند و این علم از خواص مترتب بر قرائت نام‌های خداوند متعال و قرائت کتاب‌هاب نازل شده از طرف خداوند و همچنین قرئت دعاها بحث می‌کند و بر هر یک از نام‌های خداوند و دعاها خواص مناسب آنها را بار می‌کند.

ایشان معتقد است که وردها و اذکار برای شفای از بیماری‌ها و دردها تأثیرهایی دارند و این تأثیر به اذن خداوند متعال است، چون در عالم مؤثری جز خدا وجود ندارد. از طرفی ما در جهان اسباب و مسببات و تأثیر و تأثراتی زندگی می‌کنیم که در گروه عوامل طبیعی و در ساختار حکیمانه‌ای قرار دارد؛ یعنی سنت خداوند که در نظام آفرینش جریان دارد، لیکن این به معنای بی‌نیازی از بهره‌گیری از عالم ملکوت نیست. ایشان در این باره می‌نویسد:

فلا تأثیر و لا تأثر فی سنن الطبیعة إلا و هو بحاجة إلى إذنه تعالی بالإفاضة من جانبه تعالی... إذن فتأثیر الدعاء فی مجال الطبیعة و مجاریها، هو استعطف جانب لطفه تعالی فی الإفاضة علی التأثيرات علی الوجه الأصلح فی التقدير و التدبیر لیجعل من الدواء الناجع شفاء من الداء و رفعا أو دفعا للأسقام و الآلام. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۵۸)

هر تأثیر و تأثری در سنت‌های طبیعی نیازمند اذن خدای متعال و افاضه از جانب اوست... بر این اساس، تأثیر دعا در عرصه طبیعت و مجاری آن، در واقع خواست لطف الهی برای افاضه کردن بر تأثیرات به بهترین تقدیر و تدبیر است تا در داروی شفابخش، درمان بیماری و پیشگیری یا بهبودی دردها و ناخوشی‌ها را قرار دهد.

بنابراین از نظر آیت‌الله معرفت، دعا در جایگاه از بین بردن تأثیر عوامل طبیعی نیست، بلکه صرفاً درخواست لطف خداوند است که او را در مسیرش به سوی کمال موفق گرداند. افزون بر این تضرع به خدا بر توان روحی دعا کننده می‌افزاید و به او در برابر یأس، امیدواری و در برابر اضطراب، آرامش روانی می‌بخشد؛ «آن سان که زندگی‌اش سراسر امنیت و آسایش و سرشار از نشاط و سرزندگی و شادی می‌گردد: «...أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آگاه باشید، دل‌ها فقط به یاد خدا آرام می‌گیرد.» (رعد: ۲۸)

شرایط دعاها و اذکار

آیت‌الله معرفت معتقد است که دعاها و اذکار، شرایطی دارد که مهم‌ترین آنها، اعتقاد، اخلاص و یقین به ماثور بودن دعا یا ذکر است، چه در اصلش و چه در چگونگی بیان آن، تا توسل بدان نزد خدای متعال، مشروع باشد. ایشان در این باره می‌نویسد:

ذلك أنّ هذه الأدعية والأذكار، هي الوسائل للبلوغ إلى أعتابه تعالى المقدسة ولا يعرف الطريق إليه تعالى إلا من قبله ومن تعريفه إياه، إذ لا يعرف السبيل إليه إلا منه وعلى يد أوليائه العظام... ومن ثم أنكر على المشركين حيث زعموا من أوثانهم شفعاء إلى الله، حيث لم يأتوا به من سلطان: «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكٰذِبَ لَا يُفْلِحُونَ» (يونس: ۶۸ و ۶۹) وهكذا الدعاء والذكر، هي وسيلة إلى الله ولا بد أن تكون مشروعة بورود أثر صحيح بشأنه وفي مجال استعماله والشرائط التي يجب توفرها عند الدعاء والابتهاال إليه سبحانه. (معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۵۸ و ۱۵۹)

این شرط به خاطر آن است که دعاها و اذکار، وسایلی برای رسیدن به آستان مقدس الهی است و طریق به او، جز از سوی او و معرفی خود او شناخته نمی‌شود؛ چه راه رسیدن به او، تنها از جانب او و به دست اولیای بزرگوارش، شناخته می‌شود... به همین جهت خداوند پندار مشرکان را که بت‌های خود را شفیعان نزد خدا می‌شمردند، مردود دانست، چرا که دلیلی بر آن نداشتند: «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِّنْ سُلْطٰنٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يُفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكٰذِبَ لَا يُفْلِحُونَ» (يونس: ۶۸ و ۶۹) دعا و ذکر نیز وسیله‌ای به سوی خدا است و باید مشروع باشد، بدین گونه که خبری صحیح درباره اصل و کاربرد و شرایط لازم آن هنگام دعا و تضرع نزد خدای سبحان رسیده باشد.

ایشان در اهمیت مشروع بودن دعا و اذکار روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می‌کند که در آن راوی می‌گوید:

دخلت على الإمام أبي عبد الله الصادق عليه السلام فقلت: جعلت فداك، إنى اخترعت دعاء! فقال- من فوره-: دعنى من اختراعك، إذا نزل بك أمر، فافزع إلى رسول الله ﷺ و صل ركعتين تهديهما إلى رسول الله ﷺ. (كليني، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۷۶)

نزد امام جعفر صادق عليه السلام رفتم و گفتم: فدایت شوم من دعایی را اختراع کرده‌ام. حضرت بی درنگ فرمود اختراعت را نزد من نیاور، هرگا دچار گفتاری شدی به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه ببر و دو رکعت نماز بگزار و به رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه کن.

امام عليه السلام در این روایت به مشروع بودن دعا اشاره می‌کند و در ادامه این روایت به روایی دعایی می‌آموزد که پس از نماز بخواند همچنین ذکرى به او می‌آموزد که آن را چهل بار در پنج مرحله تکرار کند، سپس به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او متوسل شود و به اندازه یک نفس ندای یا الله را تکرار کند و در پایان حاجت خود را بخواهد تا به خواست خداوند متعال برآورده گردد. بعد امام عليه السلام می‌فرماید: «فأنا الضامن على الله عز و جل أن لا يبرح حتى تقضى حاجته؛ من از جانب خداوند ضمانت می‌کنم که پیش از حرکت از جای خود حاجتش برآورده شود». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۷۶-۴۷۷)

سپس آیت‌الله معرفت می‌فرماید:

فلا تنكر أن يكون لتلاوة القرآن تأثيرا مباشرا في النفس يفاضة البركات و نفحات قدسية تنهال على العبد، إثر ترنمه بكلام رب العالمين، فإن فيه شفاء لما في الصدور. (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۵۸)

ما تأثیر مستقیم تلاوت قرآن کریم بر نفس را انکار نمی‌کنیم. تلاوت قرآن برکات و رایحه‌های خوش قدس را در پی ترنم سخن پروردگار جهانیان، بر بنده سرازیر می‌سازد که قرآن شفابخش سینه‌ها است.

۵. نقد و بررسی روایات خواص سوره‌ها

روایات خواص آیات و سوره‌ها در «التفسیر الاثری الجامع» هم از منابع اهل سنت و هم از منابع شیعه نقل شده است. بر همین اساس، روایات را در دوسته تقسیم نموده‌ایم؛ ابتدا هشت روایات اهل سنت را بررسی می‌کنیم سپس به بررسی روایات شیعه می‌پردازیم.

الف) روایات اهل سنت

روایت اول

۱. أخرج ابن ماجه و غيره من حديث ابن مسعود: عليكم بالشفاءين، العسل و القرآن. (سيوطي، ۱۴۲۱ق، ج: ۲: ۳۹۰)

ابن ماجه و ديگران از حديث ابن مسعود اين جمله را بازگو کرده‌اند: بر شما باد دو شفا بخش؛ عسل و قرآن.

بررسی

در اين روايت قرآن در رديف عسل به عنوان دارو معرفی شده است، آیت‌الله معرفت درباره اين روايت می‌فرماید: يالله، كيف يجعل القرآن في عرض العسل و في عداد سائر العقاقير و الأدوية الطيبة؟! پناه بر خدا! چگونه قرآن در کنار عسل و در رديف ديگر گیاهان و داروهای طبي قرار گرفته است. (معرفت، ج: ۱: ۱۶۲)

روایت دوم

أخرج أبو عبيد عن طلحة بن مصرف، قال: كان يقال: إذا قرئ القرآن عند المريض وجد لذلك خفة؛ أبو عبيد از طلحه بن مصرف نقل کرده است گفته می‌شد که هرگاه نزد بیمار قرآن قرائت شود بیمار در خود سبکی و آرام‌شی می‌یابد. (سيوطي، ۱۴۲۱ق، ج: ۲: ۳۹۱)

بررسی

تأثير و خواصی که در اين روايت برای قرآن کریم ذکر شده كاملاً درست است. همان طور که قبلاً گفتيم قرآن تأثيرات روحی فروانی دارد دارد، آیت‌الله معرفت می‌نویسد: هذا حق، لأن الاستماع إلى كلام رب الرحمة راحة للقلوب. (معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱: ۱۶۲) اين سخن درستی است چرا که گوش دادن به كلام پروردگار رحمت موجب آرامش دلها است.

روایت سوم

أخرج البيهقي في الشعب عن وائلة بن الأسقع، أن رجلاً شكاً إلى النبي ﷺ وجع حلقه. قال: عليك بقراءة القرآن؛ البيهقي در الشعب از وائلة بن اسقع نقل کرده است که مردی از گلو درد به پیامبر ﷺ شکایت برد. حضرت فرمود: بر تو باد قرائت قرآن. (سيوطي، ۱۴۲۱ق، ج: ۲: ۳۹۱)

بررسی

آیت‌الله معرفت درباره این روایت می‌فرماید:

هذا غریب! إن لداء الحلق دواء و معالجة طيبة لا بد من العناية بها، اللهم إلا أن يراد دعمها بذلك و التخفيف من وطأة المرض على المريض (معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۶۳)
این سخن نامفهومی است، زیرا برای «گلو درد» دارو و درمان پزشکی وجود دارد که باید به آن توجه کرد، مگر آنکه مقصود، کمک کردن به درمان با قرائت قرآن و کم‌ساختن فشار بیماری بر بیمار باشد.

روایت چهارم

أخرج مسلم من حديث أبي هريرة إن البيت الذي تقرأ فيه البقرة لا يدخله الشيطان. (سيوطي، ۱۴۲۱ق، ج: ۲، ۳۹۱)
مسلم از ابوهریره روایت می‌کند که شیطان در خانه‌ای که در آن سوره بقره خوانده شود وارد نمی‌گردد.

بررسی

چنین ویژگی که در این روایت برای سوره بقره ذکر شده است، اختصاص به این سوره ندارد، بلکه این از ویژگی‌های قرآن کریم است؛ چنان که می‌خوانیم: «وَ إِذَا دَكَّرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحَدَّهُ وُلَّوْا عَلٰى اَدْبَارِهِمْ نَفُورًا». (بقره: ۴۶)

روایت پنجم

أخرج الديلمي في الفردوس من حديث أبي قتادة: من قرأ آية الكرسي عند الكرب، أغاثه الله؛ هر کس هنگام گرفتاری آیه‌الکرسی را بخواند خداوند به فریاد او می‌رسد. (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج: ۲، ۳۹۴)

بررسی

این روایت از لحاظ محتوا روایت صحیحی است، زیرا کلام خداوند متعال برکتی فراوان دارد که هر بدی و گرفتاری را از بین می‌برد. بنابراین، چنین روایاتی که درباره برخی از آیات قرآن وارد شده است و می‌گوید: «اگر این آیات هنگام گرفتاری خوانده شود خداوند سبحان با رحمت خود آن گرفتاری را برطرف می‌سازد» صحیح است. (معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۶۷)

روایت ششم

أخرج الحكيم الترمذي و أبو يعلى و ابن أبي حاتم و ابن السني في عمل يوم و ليلة و أبو نعيم في الحلية و ابن مردويه عن ابن مسعود: قرأ في أذن مصاب: «أَفْحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ. وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»^۱ فبرأ. فقال رسول الله ﷺ: ماذا قرأت في أذنه؟ فأخبره! فقال رسول الله ﷺ: «و الذي نفسي بيده لو أن رجلا موقنا قرأها على جبل لزال. (سيوطي، ١٤٢١ق، ج: ٢: ٣٩٧)

حکیم ترمذی، ابن ابی حاتم، ابن سنی در عمل یوم و لیل، ابو نعیم در حلیة الاولیاء و ابن مردویه از ابن مسعود روایت کرده‌اند که آیات ۱۱۸-۱۱۵ سوره مؤمنون را در گوش فرد مبتلا خواند و او شفا پیدا کرد. رسول خدا ﷺ پرسید در گوش او چی خواندی؟ ابن مسعود آیه را خواند رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست او است اگر فردی اهل یقین آن را بر کوهی می‌خواند از جا کنده می‌شد.

بررسی

در این روایت جایگاه رسول اکرم ﷺ که مفسر و مبین اصلی قرآن کریم است نادیده گرفته شده است. چگونه رسول خدا ﷺ که بر اساس نص قرآن، مبین اصلی قرآن کریم است،^۲ از خواص آیات مذکور اطلاعی نداشت، اما ابن مسعود آن را می‌دانست! آیت‌الله معرفت درباره این روایت می‌نویسد:

يا ترى من أين عرف ابن مسعود ذلك، إذ لم يكن يدرى به رسول الله؟! ثم ما هي المناسبة بين هذه الآيات و دفع أسقام الجسم و هن نزلن لدفع أسقام الروح و الهزة بتلك الأنفس العاتية! (معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱: ۱۶۸)

جای تعجب است که اولاً اگر رسول خدا ﷺ از این مطلب اطلاعی نداشت ابن مسعود از کجا آن را می‌دانست! ثانیاً چه مناسبتی بین این آیات و برطرف ساختن بیماری‌های جسم وجود دارد؟ آیاتی که برای دفع بیماری‌های روح و برانگیختن نفس‌های سرکش نازل شده است.

۱. مؤمنون: ۱۱۸-۱۱۵.

۲. نحل: ۴۴.

روایت هفتم

من وجد فی قلبه قسوة فلیکتب یس فی جام بزعفران، ثم یشربه.(النیسابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ۴۲۸)

هرکس در دلش قساوتی یابد، سوره یس را با زعفران در جامی بنویسد، آن گاه آن را بنوشد.

بررسی

همان طور که قبلاً اشاره شد، شکی نیست که سوره مبارکه یس و دیگر سوره‌های قرآن کریم نقش مهمی در درمان بیماری‌های روحی از جمله برطرف ساختن قساوت از دل‌ها دارد، اما نه با نوشیدن آن بلکه با تلاوت و تدبیر در آن، این تأثیرات به وجود خواهد آمد:

لا شک أن سورة یس نزلت لإزالة القسوة من القلوب، لكن لا بشریها، بل بتلاوتها و التدبیر فیها.(معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۶۸)

روایت هشتم

أخرج البيهقي في الدعوات عن ابن عباس -موقوفا-: في المرأة يعسر عليها ولادها؟ قال: يكتب في قرطاس ثم تسقى: «بسم الله الذي لا إله إلا هو الحليم الحكيم. سبحان الله و تعالی رب العرش العظيم، الحمد لله رب العالمين». «كَاتَّبَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا». (نازعات: ۴۶) «كَاتَّبَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَّغْ فَهَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ». (احقاف: ۳۵)(سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۳۹۸)

بیهقی در الدعوات از ابن عباس به صورت موقوف روایت کرده که وی درباره زنی که زایمان برایش سخت است گفت این عبارات در کاغذی نوشته شود و زن آن را بیاشامد.

بررسی

این روایت نیز از جمله روایاتی است که خواصی را برای آیات ذکر نموده که بین آیات و خواصی که برای آن ذکر شده ارتباطی وجود ندارد، آیت‌الله معرفت درباره این روایت می‌نویسد:

ما ندری ما هی الصلة بین آیات نزلت وعیداً بشأن أصحاب النار و بین مسکینة عسر علیها الطلق؟.(معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۶۸)

نمی‌دانیم چه ارتباطی بین آیاتی که درباره اهل آتش و دوزخیان نازل شده با زن بی‌نوایی که زایمان برای او دشوار گشته است، وجود دارد؟

آیت‌الله معرفت بحث دیگری را ذیل این روایت، درباره نوشیدن غساله قرآن مطرح می‌کند و می‌پرسد آیا آلودگی جوهری که در غساله قرآن است ضرری برای انسان ندارد؟ آیا نوشیدن پس آب قرآن یا بلعیدن برگه‌ای که قرآن بر آن نوشته شده جایز است؟ (معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۶۸) ایشان در پاسخ به این سؤال اقوال ذیل را نقل می‌کند:

۱. ابوقلابه و اوزاعی نوشیدن غساله قرآن یا بلعیدن برگه‌ای که قرآن بر آن نوشته شده را جایز می‌دانند.
۲. نخعی آن را مکروه دانسته است.
۳. قاضی حسین و بغوی و دیگران گفته‌اند که اگر بر روی شیرینی و غذایی نوشته شود خوردن آن اشکالی ندارد.
۴. زرکشی در این باره می‌نویسد:

ممن صرح بالجواز في مسألة الإناء العماد التبيهي، مع تصريحه بأنه لا يجوز ابتلاع ورقة فيها آية لكن أفتى ابن عبد السلام بالمنع من الشرب - أيضا - لأنه يلاقيه نجاسة الباطن. (سيوطي، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۴۰۱)

از جمله تصریح‌کنندگان به جواز در مسئله ظرف (نوشتن در ظرف) عماد نهی است، هر چند او تصریح کرده است که بلعیدن برگه‌ای که در آن آیه‌ای نوشته شده است، جایز نیست. ابن سلام نیز فتوای به منع از نوشیدن داده است، زیرا نجاست باطن با آن ملاقات می‌کند.

(ب) روایات شیعه

روایات خواص القرآن را که در تفسیر اثری جامع از منابع شیعه نقل شده است، در سه دسته تقسیم نموده‌ایم؛ دسته اول روایاتی است که به شفا بودن قرآن و برخی از سوره‌ها و آیات آن برای درمان دردها و بیماری‌های جسمی و روحی اشاره دارد. (ظاهر این دسته از روایات به گونه‌ای است که با تأویل و تفسیر قابل پذیرش است) دسته دوم روایاتی است که آیت‌الله معرفت آنها را از کتاب عدّه‌الداعی انتخاب نموده و به نقد و بررسی آن پرداخته است. دسته سوم روایاتی است که قابل توجیه و تأویل نیست و صدور آنها از معصوم بعید به نظر می‌رسد.

یکم) روایات قابل تأویل

روایت اول

سأل عبد الله بن سنان أبا عبد الله الصادق عليه السلام عن الرقية و العوذة و النشرة، فقال: ل بأس بها إذا كانت من القرآن و من لم يشفه القرآن فلا شفاء لله و هل أبلغ في هذه الأشياء من القرآن؟ أليس الله تعالى يقول: وَ نُنزِّل مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ. (اسراء: ۸۲) أليس يقول: لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُّتَصَدِّعاً مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ. (حشر: ۲۱) ثم قال لابن سنان: سلونا نعلمكم و نوقفكم على قوارح القرآن لكل داء. (ابن بسطام، ۱۶۴۱ق: ۴۸)

عبدالله بن سنان از امام صادق عليه السلام درباره «رقیه» و «تعویذ» و اذکار و ادعیه‌ای پرسید که برای درمان بیماری به کار می‌رود. امام عليه السلام فرمود: اگر از قرآن باشد اشکالی ندارد. هر کس را قرآن شفا ندهد خدا او را شفا نبخشد. آیا بین این چیزها رساتر از قرآن وجود دارد؟ آیا خداوند متعال نمی‌فرماید: آنچه برای مؤمنان مایه شفا و رحمت است از قرآن نازل کردیم. آیا خداوند متعال نمی‌فرماید: اگر این قرآن را بر کوهی فرو می‌فرستادیم یقیناً آن {کوه} را از بیم خداوند خاشع و از هم پاشیده می‌دید. سپس امام صادق عليه السلام به ابن سنان فرمود: از ما پرسید تا به شما بیاموزیم و شما را از درمان‌های قرآن بر هر درد آگاه کنیم.

روایت دوم

سأل أحمد بن محمد بن محمد بن مسلم أبا جعفر الباقر عليه السلام: أيتعود بشيء من هذه الرقية؟ قال: لا، إلا من القرآن. فإن علياً عليه السلام كان يقول: إن كثيرا من الرقية و التمانم من الإشراك! (ابن بسطام، ۱۶۴۱ق: ۴۸)

احمد بن محمد بن مسلم از ابوجعفر امام باقر عليه السلام پرسید آیا به هیچ یک از این رقیه‌ها (وردها) می‌توان تعویذ کرد (حرز بست)؟ فرمود نه، مگر قرآن؛ چرا که امام علی عليه السلام می‌فرمود: بسیاری از رقیه‌ها و مهرهای رفع چشم زخم (که به کودکان می‌آویزند) گونه‌ای از شرک هستند.

روایت سوم

و قد ورد متواتراً: أن قراءة الحمد، شفاء من كل داء إلا السم و هو الموت الحتم. (قطب الدين راوندي، ۱۶۰۷ق: ۱۸۹)

به تواتر روایت شده قرائت حمد شفاي هر درد است جز مرگ حتمی.

روایت چهارم

عن الإمام الرضا عليه السلام: إتما شفاء العين، قراءة الحمد و المعوذتين و آية الكرسي. (كليني، ١٤٠٧ق، ج: ٦، ٥٠٣)

از امام رضا عليه السلام روایت شده است: همانا شفای چشم، قرائت حمد و معوذتین و آیه‌الکرسی است.

روایت پنجم

روى الصدوق بإسناده إلى الإمام زين العابدين عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله من قرأ أربع آيات من أول البقرة و آية الكرسي و آيتين بعدها و ثلاث آيات من آخرها، لم يرفي نفسه و ماله شيئاً يكرهه و لا يقربه شيطان و لا ينسى القرآن. (كليني، ١٤٠٧ق، ج: ٢، ٦٢١)

شیخ صدوق با سند خود به امام زین‌العابدین عليه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: هر کس چهار آیه از آغاز سوره بقره، آیه‌الکرسی و دو آیه پس از آن و سه آیه آخر آن را بخواند ناخوشی در جان و مالش نبیند و شیطانی به او نزدیک نشود و قرآن را فراموش نکند.

روایت ششم

روى البرقي بإسناده إلى الإمام الصادق عليه السلام قال: إذا دخلت مدخلاً تخافه، فاقراً هذه الآية: رَبِّ اذْخُلْنِيْ مُدْخِلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا. (اسراء: ٨٠) فإذا عاينت الذي تخافه فاقراً آية الكرسي. (برقي، ١٣٧٠ق، ج: ٢، ٣٦٨)

برقی با سند خود به امام صادق عليه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: هرگاه به جایی وارد شدی که از آنجا می‌ترسیدی این آیه را بخوان: رَبِّ اذْخُلْنِيْ مُدْخِلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا. (اسراء: ٨٠) هرگاه نیز آنچه را از آن می‌ترسی مشاهده کردی آیه‌الکرسی را بخوان.

روایت هفتم

و قد ورد أنّ في قراءة آية الكرسي، تنفيراً لعفاريت الجنّ الأبالسة و وقاية منيعة عن شرورهم (برقي، ١٣٧٠ق، ج: ٢، ٣٦٨)، الأمر الذي لا شك فيه: و إذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولّوا على أذبارهم نفوراً. (اسراء: ٤٦)

روایت شده که قرائت آیه‌الکرسی ابلیس‌های خبیث جنی را دور می‌سازد و نگاهبانانی مستحکم در برابر شرور آنان است، ویژگی‌یی که تردیدناپذیر است: **وَ إِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَكَلِمَةً عَلَىٰ آذَانِهِمْ نَفُورًا**. (اسراء: ۴۶)

روایت هشتم

قال الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرَّةَ الْقُرْآنِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ**. (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج: ۱، ۱۵۶)

امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: هر چیز قله‌ای دارد و قله قرآن آیه‌الکرسی می‌باشد.

بررسی

در این هشت روایت که از منابع شیعه نقل شد به تأثیر آیات و سوره‌هایی از قرآن کریم اشاره شده است، از جمله:

- شفا بودن قرآن برای دردها؛
- قرائت حمد شفای هر درد جز مرگ حتمی؛
- قرائت حمد و معوذتین و آیه‌الکرسی شفای چشم؛
- خواندن چهار آیه از آغاز بقره، آیه‌الکرسی و دو آیه پس از آن و سه آیه آخر آن باعث ندیدن ناخوشی در جان و مال و نزدیک نشدن شیطان به انسان و باعث فراموش نشدن قرآن.

این خواص و تأثیراتی که برای آیات و سوره‌هایی از قرآن کریم در این روایات آمده قابل تأویل و تفسیر است، چرا که قرآن برای معالجه و درمان نفس انسان‌های مؤمن، زدودن نابسامانی‌های روحی، تقویت هنجارهای درونی و تأمین و تثبیت مایه‌های ایمانی در قلب، داروی شفا بخشی است که از سوی خداوند عالمیان تجویز شده است. (رهبری، ۱۳۸۹: ۱۸۷)

تلاوت قرآن کریم، به ویژه آیات عظیم آن، از روی ایمان و یقین، سپری در برابر هر بدی و ناپسندی است و از هر چیز بیمناک نگاهبانی می‌کند، به ویژه اگر با یقین به این باشد که تلاوت قرآن کریم، پناه بردن به سایه استوار و دژی نفوذناپذیری است، چرا که خدای تعالی به برطرف ساختن گرفتاری‌ها از چهره بندگان مخلص خود عنایت دارد. (معرفت، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۲۲۹)

بنابراین اگر مقصود از خواص و تأثیراتی که برای آیات و سوره‌هایی از قرآن کریم که در روایات فوق آمده، کمک کردن به داروی معالج باشد، اشکالی در آن نیست چرا که خداوند شفا دهنده‌ها همه دردها است. آیت‌الله معرفت در این باره می‌فرماید:

هكذا ما ورد من ادعية و اذکار أو قراءة قرآن لدفع المكاره أو للشفاء من الأمراض أو رفع الأسقام، فإن أريد به الدعم للدواء المعالج به، حتى يؤثر الدواء في رفع الداء بإذن الله تعالى، فهذا لا ضير فيه، بل و يبدو طبيعياً بعد أن كان الله هو الشافي لجميع الأدوية، أما إذا أريد الاستقلال و الاستغناء عن التطبّ رأساً و الاكتفاء بمجرّد الذكر و الدعاء و تلاوة القرآن. فهذا ممّا نرفضه رفضاً و يخالف ناموس الحياة و سنن الله في الطبيعة تماماً. (معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۶۱)

همچنین اگر مقصود از قرائت قرآن یا دعا و ذکرهای منقول برای دفع سختی‌ها یا شفای بیماری‌ها یا برطرف ساختن دردها کمک کردن به داروی معالج باشد - تا دارو به اذن خداوند متعال در رفع درد تأثیر گذارد- اشکالی در آن نیست بلکه طبیعی به نظر می‌رسد چه خداوند شفا دهنده‌ها همه دردها است، اما اگر مقصود استقلال آنها و بی‌نیازی کامل از درمان و اکتفا به ذکر و دعا و تلاوت قرآن باشد آن را به کلی رد می‌کنیم چرا که با قانون حیات و سنت‌های خداوند در طبیعت نمی‌سازد.

دوم) روایات کتاب عدة الداعي

کتاب «عدة الداعي و نجاح الساعي» نوشته جمال‌الدین، احمد بن محمد بن فهد حلّی (م ۸۴۱ق) است. ابن فهد حلّی کتاب را در سال ۸۰۱ هجری تألیف کرده است. این کتاب یک مقدمه و شش باب دارد که در آن درباره تعریف دعا و ترغیب به آن از راه عقل و نقل، اسباب اجابت دعا، انواع دعاکنندگان، کیفیت دعا، ذکر شرایط و آداب آن و آداب تلاوت قرآن بحث شده است.

در پایان باب ششم این کتاب، فوایدی از آیات و سوره‌های قرآن ذکر شده است. (حلّی، ۱۴۰۷ق: ۱۰-۷) در ادامه پنج روایت درباره خواص قرآن را از باب ششم این کتاب که در التفسیر الاثری ذکر شده است می‌آوریم، سپس به بررسی آنها می‌پردازیم.

روایت اول

عن الإمام الصادق عليه السلام، رفعه إلى النبي ﷺ قال لمن اشتكى وجعا في صدره: استشف بالقرآن، فإن الله عزّ و جلّ يقول: وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ. (يونس: ۵۸) (عیاشی، ۱۳۸۰، ج: ۲، ۱۲۴)

امام صادق علیه السلام حدیثی از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و از درد سینه شکایت کرد. حضرت فرمود: از قرآن شفا بگیر! زیرا خدای تعالی می‌فرماید: وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ. (یونس: ۵۸) قرآن شفای دردهایی است که در سینه‌ها می‌باشد.

روایت دوم

أیضاً عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «شَفَاءُ أُمَّتِي فِي ثَلَاثٍ: آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللهِ الْعَزِيزِ أَوْ لَعْقَةٌ عَسَلٍ أَوْ شَرْطَةٌ حَجَّامٍ». (يقال: شرط الجلد بضعه و بزغه لاستفراغ الدم و نحوه). (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹: ۱۷۶)

همچنین روایت دیگری از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که حضرت می‌فرماید: شفای امت من در سه چیز است؛ آیه‌ای از قرآن یا شربتی از عسل یا خون کشیدن حجامتگر.

روایت سوم

عن الرضا عليه السلام: من قرأ آية الكرسي عند منامه لم يخف الفالج و من قرأها في دبر كل صلاة لم يضره ذو حمة. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۲۱)

از امام رضا (ع) آمده است که فرمود: هر کس آیه الکرسی را هنگام خواب بخواند از بیماری فلج نترسد و هر کس بعد از هر نمازی بخواند جانور سمی او را آزار نمی‌رساند.

روایت چهارم

و عن الأصمغ بن نباتة- في حديث طويل- قال: قام إليه- يعني أمير المؤمنين (ع)- رجل فقال: إن في بطني ماء أصفر، فهل من شفاء؟ قال عليه السلام: نعم، بلا درهم و لا دينار و لكن تكتب على بطنك آية الكرسي، و تكتبها و تشربها و تجعلها ذخيرة في بطنك، فتبرأ ياذن الله تعالى. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۲۳۵)

ابن فهد حلی از اصمغ بن نباته در حدیث طولانی نقل می‌کند که مردی در پی شگاه امیرالمؤمنین بلند شد و عرضه داشت در شکم من آبی زرد است آیا دوايي دارد؟ فرمود: بله؛ بدون خرج کردن درهم و دیناری برای شفای آن. آیه الکرسی را بر شکمت بنویس و نیز آن را می‌نویسی و می‌خوری و ذخیره در شکم قرار می‌دهی به اذن خدا تندرست می‌شوی.

روایت پنجم

عن الباقر (ع): من لم يبرأه الحمد لم يبرأه شيء. (الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۴)

از امام باقر (ع) نقل شده است که هر کس سوره حمد او را معالجه نکند، چیزی او را درمان نمی‌کند.

بررسی

همان طور که قبلاً گفتیم شکی نیست که قرآن برای شفای عقده‌های روحی و وسوسه‌های شیطانی‌یی که سینه‌ها را تنگ می‌کند، نازل شده است. قرآن آمد تا گره‌ها را بگشاید و وسوسه‌های شیطانی را از بین ببرد و نسیم‌های رحمانی را جانشین آن

سازد(معرفت، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۳۴۲) چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ . قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ؛ ای مردم اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و درمان آنچه در سینه‌ها است و هدایت و رحمت برای مؤمنان است.(یونس: ۵۷)

منظور از شفا دادن بیماری دل‌ها و یا به تعبیر قرآن شفای چیزی که در سینه‌ها است، همان آلودگی‌های معنوی و روحانی است مانند بخل و کینه و حسد و جبن و شرک و نفاق و امثال این‌ها که همه از بیماریهای روحی و معنوی است.(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج: ۸، ۳۱۸)

قرآن آمد تا این نوع آلودگی‌های معنوی و روحانی درمان کند و دل‌های مرده را زنده گرداند و شفایی باشد برای این نوع آلودگی‌های معنوی که درون برخی از انسان‌ها را دربر گرفته و شک و تردید بر آن چیره گشته است و انحرافات که روح را بیمار ساخته و اضطراب‌هایی که آن را سرگردان کرده است. این پند آمد تا بهبودی و عافیت و یقین و اطمینان و سلامت را همراه با ایمان، بر سینه‌ها افاده کند.(قطب، ۱۴۲۵ق، ج: ۳، ۱۷۹۹) سید قطب درباره این تأثیر می‌نویسد:

فهذا هو الذى يستحق الفرح. لا المال و لا أعراض هذه الحياة. إن ذلك هو الفرح العلوى الذى يطلق النفس من عقال المطامع الأرضية و الأعراض الزائلة، فيجعل هذه الأعراض خادمة للحياة لا مخدومة؛ و يجعل الإنسان فوقها و هو يستمتع بها لا عبدا خاضعا لها.» (قطب، ۱۴۲۵ق، ج: ۳، ۱۷۹۹)

این تأثیر شایسته شادی است، نه فزونی ثروت و نه کالاهای این دنیا، این همان شادی والایی است که نفس را از بند طمع‌های زمینی و منافع زودگذر رها می‌سازد و مال دنیا را برای زندگی، به خدمت می‌گیرد و از آن بهره می‌برد، نه آنکه انسان خدمتگزار و برده خاضع دنیا باشد.

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

فا ستشفوه من ادوائکم و استعینوا به علی لاوانکم فان فيه شفاء من اکبر الداء و هو الکفر و النفاق و النی و الضلال.(نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶)

از قرآن برای بیماری‌های خود شفا بطلبید و به آن برای حل مشکلاتتان استعانت بجوئید، چه اینکه در قرآن شفای بزرگترین دردها است که آن درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است.

با توجه به مطالب مذکور باید گفت دردهای جسمانی سینه، مانند آنژین صدری یا سخت شدن رگها (تصلب شراین) یا تنگ شدن نایژه‌های ریه و مانند آن، درمان ویژه خود را دارد که پزشکان متخصص، عهده‌دار آن هستند که خداوند به سبب تلاش‌ها و پشتکار آنان در راه ارتقای مدارج دانش بشری، درمان مؤثر و شفابخش را به آنان الهام می‌کند. از طرفی باید توجه داشت که دعاهای مأثور و خواندن سوره حمد، دشواری درمان را آسان می‌سازد و به اذن خدا تأثیر داروی سودمند را می‌افزاید. (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۴۳)

بنابراین، فرار گرفتن دعا در کنا دارو برای کمک کردن به درمان و وسیله ای برای شفابخش ساختن دارو به اذن و عنایت خداوند متعال اشکالی ندارد، بلکه یکی از ضروریات شناخته شده دین، آن است که شفادهنده فقط خداوند است و او سبب ساز اسباب می‌باشد و حول و قوه‌ها جز به او نیست. (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۴۳)

و الأحادیث التي ذكرها- ما عدا الأخير الخامس- مما يستغرب و يستبعد صدورها من المعصومين عليهم السلام. أما الحديث الأول فإن القرآن نزل شفاء لما في الصدور، من عقد نفسية و نفثات شيطانية تضايقت به الصدور، فجاء القرآن ليحل تلك العقد و يذهب بنفثات الشيطان، ليخلفها نفحات الرحمن، فتترجّب بها الصدور و تشرح انشراحا.

آیت الله معرفت روایاتی را که ابن فهد ذکر کرده - به جز روایت پنجم - صدورشان از معصومان عليهم السلام را بعید می‌داند و در یک جمع‌بندی درباره روایاتی مذکور می‌فرماید:

اما قرار گرفتن (قرآن) در ردیف داروهای طبی آن‌سان که در حدیث دوم بود (آنجا که آیه قرآن را در کنار یک انگشت عسل و یا خون کشیدن حجامتگر قرار داد- یا اینکه نگه‌دارنده از بیماری فلج باشد - چنانکه در حدیث سوم آمد - یا درمان آب زردی باشد که از شکم خارج می‌شود - آن گونه که در حدیث چهارم بود - قدسی بودن قرآن کریم هم این‌ها را رد می‌کند. قرآنی که شفابخش دردهای روح نازل شده است نه شفابخش دردهای جسم که درمانش در توان بشر و بر اساس تجربه‌های او در زندگی است... چنان که گفتیم قراردادن دعا در برار دارو و اینکه دعا یکی از دو راه مسقل درمان باشد را به شدت انکار می‌کنیم؛ مطلبی که متأسفانه در برخی از این دسته روایات به آن تصریح شده است. باید چنین روایاتی را کنار گذاشت یا مناسب با دلیل عقل و حکمت رشید تأویل کرد. (معرفت، ۱۳۹۰، ج ۱: ۲۴۴)

بنابراین قرآن برای معالجه و درمان نفس انسان‌های مؤمن، زدودن نابسامانی‌های روحی، تقویت هنجارهای درونی و تأمین و تثبیت مایه‌های ایمانی در قلب، داروی

شفابخشی است که از سوی خداوند عالمیان تجویز شده است. بدیهی است بیماری‌های جسمانی هم که در اثر نامالایمات روحی پدید آمده باشد، به موازات درمان روحی، شفا یافته و از میان خواهد رفت (رضایی و علایی، ۱۳۹۰: ۷۳) همچنین قرارگرفتن دعا در کنار دارو برای کمک کردن به درمان و وسیله‌ای برای شفابخش ساختن دارو به اذن و عنایت خداوند متعال اشکالی ندارد، بلکه یکی از ضروریات شناخته شده دین، آن است که شفا دهنده فقط خداوند است.

سوم) روایات غیر قابل توجیه

آیت‌الله معرفت پس از نقد روایات کتاب عدّه‌الداعی حدود یازده روایت از منابع مختلف شیعه درباره خواص قرآن ذکر می‌کند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۱. فی کتاب «مکارم الأخلاق»: روی عن رسول الله ﷺ أنه قال: «علمني جبرائيل دواء لا يحتاج معه إلى دواء! فقيل: يا رسول الله ﷺ ما ذلك الدواء؟ قال: يؤخذ ماء المطر قبل أن ينزل إلى الأرض، ثم يجعل في إناء نظيف و يقرأ عليه: الحمد سبعين مرة، ثم يشرب منه قدحا بالغداة و قدحا بالعشي. فو الذي بعثني بالحق لينزعنَّ الله ذلك الداء من بدنه و عظامه و مخخه و عروقه. (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۴۵)

در کتاب مکارم الاخلاق آمده: از رسول خدا ﷺ روایت شده است که حضرت فرمود: جبرئیل درمانی را به من آموخت که با وجود آن نیازی به دارو نخواهد بود. گفته شد: ای رسول خدا ﷺ آن دارو چیست؟ فرمود: آب باران پیش از رسیدن به زمین جمع شود، سپس در ظرفی تمییز قرار گیرد و هفتاد بار حمد بر آن قرائت گردد. آن‌گاه یک پیاله از آن، صبح و یک پیاله، شب نوشیده شود. سوگند به کسی که به حق مرا مبعوث کرد همانا خداوند آن درد را از بدن و استخوان و سر و رگ‌هایش برطرف خواهد ساخت.

بررسی

همان‌طور که در این روایت مشاهده می‌شود درمان به وسیله سوره حمد سبب بی‌نیازی از دارو معرفی شده است. آیت‌الله معرفت درباره این روایت می‌فرماید: هذا غریب و یتنافی مع مجاری الطبیعة و التي هی سنن الله فی الخلق و التدبیر؛ این حدیث عجیب است و با قوانین طبیعت که سنت‌های خدا در آفرینش و تدبیر است، نمی‌سازد.

۲. فی کتاب الاختصاص: أنّ ابن الوشّاء أخذته الحمى الزّرع، فدعى الإمام الرضا ﷺ بدواة و قرطاس و كتب بعد البسملة: أبجد، هوز، حطی عن فلان ابن فلان ابن فلانة و دعا

بخیط فشدّ و سطره و عقد علی الجانب الأيمن أربع عقد و علی الأيسر ثلاث عقد و قرأ علی
كُلّ عقدة الحمد و المعوذتين و آية الكرسي، ثم شدّه علی عضده الأيمن. (مفید، ۱۴۱۳ق:
۱۹ و ۱۸)

در کتاب اختصاص آمده است که ابن‌وشاء مبتلا به تبی گردید که به صورت متناوب،
هر چهار روز، وی را می‌گرفت. امام رضا علیه السلام قلم و کاغذی طلبید و پس از بسم‌له
نوشت: أبجد، هوز، حطی عن فلان ابن فلان ابن فلانة. آن‌گاه حضرت نخی خواست و
وسط آن را محکم بست و طرف راست آن را چهار گره و طرف چپ آن را سه گره زد و
بر هر گره حمد و معوذتین و آیه‌الکرسی را خواند سپس آن را بر بازوی راست او بست.

بررسی

روایات دیگری نیز با همین مضمون در منابع دینی به چشم می‌خورد به عنوان مثال
در روایت دیگری آمده که برای برطرف شدن تب یاد شده، روی برگه‌ای بنویس یا نارُ
کونی برداً و سلاماً علی إبراهیم و آن را بر فرد تب دار بیاویز یا روی کاغذ نوشته شود:
قُلْ اللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ. (یونس: ۵۹) و بر بازوی بیمار بسته شود یا نوشته
شود «بطلط، بطلطط» و بگوید به نام خدا تب‌دار را بستم و بر ساق پای چپ او بسته
شود و نمونه‌هایی دیگر از این قبیل روایات که بسیار بعید است از معصوم علیه السلام صادر
شده باشد. آیت‌الله معرفت این گونه روایات را ساخته تعویذ نویسان می‌داند و می‌فرماید:

إن هذا إلا صنع أحد القوالین من أصحاب التعاویذ، وضعه حسب صنعة الوضیعة و
حاشا الإمام الهمام! (معرفت، ۱۳۸۷، ج: ۱، ۱۷۲)

بی‌تردید این حدیث ساخته و پرداخته یکی از اصحاب تعویذ است که آن را بر طبق
حرفه پست خود، جعل کرده است و ساحت امام همام از آن به دور است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد به دست می‌آید که بر اساس دیدگاه آیت‌الله معرفت، اوراد
و اذکار برای شفا از بیماری‌ها و دردها تأثیرهایی دارند و این تأثیر به اذن خداوند متعال
است، چون هر تأثیر و تأثیری در سنت‌های طبیعی نیازمند اذن خدای متعال و افاضه از
جانب او است، اما باید به این نکته توجه داشت که دعا در جایگاه از بین بردن تأثیر
عوامل طبیعی نیست، بلکه صرفاً درخواست لطف خداوند است که او را در مسیرش به
سوی کمال موفق گرداند. افزون بر این تضرع، خدا بر توان روحی دعاکننده می‌افزاید و
به او در برابر یأس، امیدواری و در برابر اضطراب، آرامش روانی می‌بخشد. همچنین
دعاها و اذکار شرایطی دارند که مهم‌ترین آنها اعتقاد، اخلاص و یقین به مآثور بودن

دعا یا ذکر - چه در اصلش و چه در چگونگی بیان آن - است تا توسل بدان نزد خدای متعال، مشروع باشد.

روایات خواص آیات و سوره‌ها را در مجموع می‌توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) روایاتی که قرآن را شفای روح و روان انسان می‌داند، مانند این روایت که «هرگاه نزد بیمار قرآن قرائت شود بیمار در خود سبکی و آرامشی می‌یابد». این گونه تأثیر و خواصی که در این روایت برای قرآن کریم ذکر شده کاملاً درست است، زیرا گوش دادن به کلام پروردگار رحمت موجب آرامش دلها است و قرآن تأثیرات روحی فراوانی دارد.

ب) روایاتی که قرآن را عامل تأثیر دارو در درمان بیماری‌های جسمی انسان می‌داند. مانند این روایت که عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام درباره «رقیه» و «تعویذ» و اذکار و ادعیه‌ای پرسید که برای درمان بیماری به کار می‌رود. امام علیه السلام فرمود: اگر از قرآن باشد اشکالی ندارد... .

این گونه روایات قابل توجیه و تاویل است چون در آن - به خلاف برخی از روایات دیگر- تصریح نشده که قرآن در عرض دارو است، بنابراین اگر مقصود از خواص و تأثیراتی که برای آیات و سوره‌هایی از قرآن کریم که در این گونه روایات آمده، کمک کردن به داروی معالج - تا دارو به اذن خداوند متعال در رفع درد تأثیر گذارد- اشکالی در آن نیست بلکه طبیعی به نظر می‌رسد چه خداوند شفا دهنده‌ها همه دردها است؛ اما اگر مقصود استقلال آنها و بی‌نیازی کامل از درمان و اکتفا به ذکر و دعا و تلاوت قرآن باشد آن را به کلی رد می‌کنیم چرا که با قانون حیات و سنت‌های خداوند در طبیعت نمی‌سازد.

ج) روایاتی که قرآن را در عرض دارو قرار می‌دهد. مانند: شفاء أمتی فی ثلاث؛ آیه من کتاب الله العزیز أو لعقۃ عسل، أو شرطۃ حجام. یا اینکه اصیغ بن نباته می‌گوید: آیه الکرسی، درمان بی‌هزینه درد شکم است؛ یعنی بدون خرید دارو.

دیدگاه حضرت آیت‌الله معرفت در باره این دسته از روایات این است که قرار گرفتن قرآن در ردیف داروهای طبی قدسی بودن قرآن کریم سازگاری ندارد؛ قرآنی که شفا بخش دردهای روح نازل شده است نه شفا بخش دردهای جسم که درمانش در توان بشر و بر اساس تجربه‌های او در زندگی است. بنابراین، اگر مقصود از قرائت قرآن یا دعا و ذکرهای منقول برای دفع سختی‌ها یا شفای بیماری‌ها یا برطرف ساختن دردها کمک کردن به داروی معالج باشد - تا دارو به اذن خداوند متعال در رفع درد تأثیر گذارد- اشکالی

در آن نیست بلکه طبیعی به نظر می‌رسد چه خداوند شفا دهنده‌ها همه دردها است، اما اگر مقصود استقلال آنها و بی‌نیازی کامل از درمان و اکتفا به ذکر و دعا و تلاوت قرآن باشد، مورد قبول نیست چرا که با قانون حیات و سنت‌های خداوند در طبیعت نمی‌سازد.

منابع و مآخذ:

- قرآن کریم
 نهج البلاغه
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
 - ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۴۰۷ ق)، عدة الداعي ونجاح الساعي، مصحح: موحدی قمی، احمد، قم: دار الکتب الإسلامی.
 - ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، ج ۳ بیروت: دار صادر.
 - ابنا بسطام، عبد الله و حسین (۱۴۱۱ ق)، طب الأئمة علیهم السلام، ج ۲، قم: دارالشریف الرضی.
 - قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۷ ق)، الدعوات (للاوندی)، ج ۱، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام.
 - برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق)، المحاسن، ج ۲، قم: دارالکتب الإسلامیة.
 - عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق)، تفسیر العیاشی، ج ۱، تهران: المطبعة.
 - حریری، محمد یوسف (۱۳۸۴)، فرهنگ اصطلاحات قرآنی، قم: هجرت.
 - خوبی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
 - راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، بیروت: دارالقلم.
 - رضایی، حسن رضا و حسین علی علایی (۱۳۹۰)، «درمان اعجاز آمیز قرآن»، قرآن و علم، ش ۹.

- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳)، «سبکی نوین در تفسیر روایی، روش‌شناسی کتاب تفسیر الاثری الجامع»، بیات، ش ۴۴.
- روشن ضمیر، محمدابراهیم (۱۳۸۶)، «معرفی و نقد التفسیر الاثری الجامع»، الهیات و حقوق، ش ۲۶.
- رهبری، حسن (۱۳۸۹)، «قرآن درمانی در بونه نقد»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۶۱.
- الزرعی، محمد بن ابی بکر بن ایوب (ابن القیم) (۱۴۲۷ق)، البدائع فی علوم القرآن، ج ۲، بیروت: دارالمعرفة.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (بی تا)، المحيط فی اللغة، ج ۱، مصحح: محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
- صدیق حسن خان، محمد صدیق (۱۴۲۰ق)، أبجد العلوم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الأخلاق، ج ۴، قم: شریف رضی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، ج ۳، مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران: مرتضوی.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، المصباح المنیر، ج ۲، قم: موسسه دار الهجره.
- قطب، سید (۱۴۲۵ق)، فی ظلال القرآن، ج ۳۵، بیروت: دار الشروق.
- کبری زاده، احمد بن مصطفی طاش (۱۴۲۲ق)، مفتاح السعادة ومصباح السیادة فی موضوعات العلوم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- _____ (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار جامع تفاسیر نور۳.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- معبد، محمد احمد (۱۴۲۶ق)، نفحات من علوم القرآن، ج ۲، اسکندریه: دارالسلام.

- معرفت، محمد هادی (۱۳۹۰)، *تفسیر اثری جامع*، مترجم: جواد ایروانی، قم: تمهید.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷)، *التفسیر الأثری الجامع*، ج ۱، قم: التمهید
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، ج ۱، قم: المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، ج ۱، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- النیسابوری، أبو عبدالله الحاکم محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- هویمل، ترکی بن سعد (۱۴۲۹ق)، *خواص القرآن الکریم: دراسة نظریة تطبیقیة*، ریاض: دار ابن الجوزی.
- ۳۸. <http://www.jamehmodarresin.org/azae-jameeh/azae-sabeq/۱۵۴-marefat/۶۱-۲۰۱۴-۰۲-۰۲-۰۶-۳۵-۱۵.html>